

فرا ترکیب پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سیاست اخلاقی مدیران از منظر آموزه‌های اسلامی

قدرت‌الله محمدی^۱، قاسم سلیمی^۲، مهدی محمدی^۳

۱. دکترای مدیریت آموزشی، اداره کل آموزش و پرورش استان فارس، شیراز، ایران

۲. استادیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

۳. دانشیار، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۵/۱۰)

چکیده

هدف اصلی از پژوهش حاضر فرا ترکیب پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سیاست اخلاقی مدیران از منظر آموزه‌های اسلامی است. ابزار پژوهش سیاهه مطالعات و اسناد و مدارک گذشته در زمینه سیاست اخلاقی مدیران است که جمعاً بیست پژوهش را شامل می‌شود. شیوه تحلیل داده‌ها نیز کدگذاری است. در این زمینه، با اتخاذ رویکرد کیفی در پژوهش و با بهره‌گیری از روش فرا ترکیب، متون مربوطه شناسایی و، پس از ارزیابی، تعدادی از آن‌ها برای استفاده در این پژوهش انتخاب و تحلیل شد. در گام بعد، متون انتخابی با هدف استخراج مصداق‌های سیاست اخلاقی بررسی شد و ۱۴۳ کد شناسایی‌شده در زمینه سیاست اخلاقی مدیران بر مبنای آموزه‌های اسلامی در ۵۲ مفهوم و ۵ مقوله، شامل مقوله مدیریتی - رهبری، ارتباطی - تعاملی، شخصیتی - رفتاری، ارزشی - اعتقادی، و دانشی - تحلیلی بررسی شد. یافته‌های مطالعاتی می‌تواند هم در سیاست‌گذاری و انتخاب مدیران آموزش عالی آتی و هم به عنوان راهنمای عمل مدیران کنونی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژگان

آموزه‌های اسلامی، سیاست اخلاقی، فرا ترکیب، مدیریت آموزش عالی.

مقدمه

بدون تردید باورهای دینی، اخلاقی، و اعتقادی اسلام از عناصر مؤثر در شکل‌گیری رفتارهای شایسته و موجب بهبود و ارتقای رفتار مدیران و کارکنان نهاد آموزش عالی است؛ زیرا از سویی این باورهای اخلاقی موجب هدایت افکار و اندیشه‌هاست و، از سوی دیگر، مشوق رفتار و کردار صحیح مدیران آموزش عالی در سازمان است (رضایی و سبزی‌کاران، ۱۳۹۰: ۱۷۶ و ۱۷۷). مطالعات نیز نشان داده است که مدیریت، به‌عنوان عنصری حیاتی، در موفقیت و شکست سازمان نقش اساسی دارد. میزان موفقیت در نیل به اهداف سازمانی نیز، با نحوه عملکرد نیروهای انسانی و به‌ویژه مدیران، ارتباط مستقیم دارد (Janati et al., 2012: 2). این موضوع در مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی، که به‌مثابه یک نظام تولید دانش، دانش جدید را می‌آفرینند، آن را از منابع مختلف به‌دست می‌آورند، و در محیط‌های آموزشی به‌کار می‌گیرند نیز صادق است (Adhikari, 2010: 98). احیای هویت تمدنی و پیشرفت جمهوری اسلامی، مستلزم رشد متوازن و همه‌جانبه ابعاد علمی، فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی کشور است که در مسیر تعالی آن، آموزش عالی کشور نقش پیشران و موتور محرکه را بر عهده دارد (سند اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها، ۱۳۹۲: ۷ و ۸).

از آنجا که بروز و ظهور رفتارهای غیراخلاقی در حوزه‌های مختلف آموزشی به‌ویژه در مدیریت این سازمان‌ها از مهم‌ترین معضلات آموزشی در عصر فعلی است، سازمان‌های آموزشی و به‌ویژه دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، به لحاظ تقدس رسالت خود، که تعالی انسان‌هاست، بی‌نیاز از مباحث اخلاقی نیستند و در قبال محیط داخلی و خارجی دارای مسئولیت‌های اخلاقی‌اند. پیش‌گیری از این رفتارها و حل معضلات ضرورت نیازمندی این نوع سازمان‌ها به اخلاق را متجلی می‌کند (شالباف، ۱۳۸۸: ۹۳). بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع اخلاق و مدیریت، سیاست اخلاقی مدیران بر مبنای آموزه‌های اسلامی در پژوهش‌های مدیریتی به منظور ارائه رهیافتی برای مدیریت آموزش عالی در کانون توجه این مقاله است.

بیان مسئله

اهمیت و حساسیت نهاد آموزش عالی به این جهت است که نظام آموزش عالی رسالت‌های مختلفی برعهده دارد. برخی از این رسالت‌ها شامل رسالت‌های آموزشی، پژوهشی، خدمتی، ایجاد فهم، انتقال دانش و نقد آن، توسعه مهارت‌ها و توانمندی‌ها، بالندگی اشخاص، افزایش شناخت‌ها، و پاسخ به نیازهای جامعه است (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۹۱: ۷۶). از آنجا که مدیریت در آموزش عالی نیز چیزی جز شناخت موانع و راهکارها جهت برنامه‌ریزی برای تقویت نقاط قوت و ایجاد فرصت، افزایش عوامل تسهیل‌کننده و برطرف‌کننده مشکلات، مهار، کاهش یا رفع موانع، گسترش عدالت و شایسته‌سالاری، ارزش‌محوری و اخلاق‌مداری نیست (غلامی، ۱۳۸۸: ۶۶)، مدیران آموزش عالی برای تصدی پست حساس و تأثیرگذار مدیریت باید از صلاحیت‌ها و شایستگی‌های احراز آن برخوردار بوده و متخلق به اخلاق و ارزش‌های اخلاقی باشند. واژه اخلاق نیز با استانداردهای مربوط به درست و غلط‌بودن رفتارها سروکار دارد (Fisher and Bonn, 2007: 1561). همچنین، اخلاقیات با ارزش‌ها رابطه تنگاتنگی دارد و به عنوان ابزاری نگریسته می‌رود که ارزش‌ها را به عمل تبدیل می‌کند. به قول آیر^۱، «اخلاق بیش از مباحث دیگر با ارزش‌ها سروکار دارد» (Ayer, 2002: 144). آموزش عالی نیز برای توسعه و نهادینه‌سازی اخلاق در فرهنگ سازمانی خود نیازمند ترویج مستمر و اثربخش اخلاق در همه ارکان و سطوح خود است. در این بخش از مقاله شایسته است به مفهوم‌پردازی مفاهیم اخلاق، سیاست، و سیاست اخلاقی به صورت اجمالی پرداخته شود. در تعریف اخلاق^۲ و مفهوم آن، دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است. کلمه اخلاق جمع «خُلُق» است که به معنای شکل درونی انسان و سرشت و سجیه آمده است که اعم از سجایای نیکو و پسندیده مانند امانت‌داری، راست‌گویی یا سجایای ناپسند مثل غیبت، نفاق، و دروغ‌گویی است (محموظی، ۱۳۹۰: ۲۹). یا «الگوی رفتار ارتباطی درون‌شخصی و برون‌شخصی مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط» است (International Congress of Ethical in Education,)

1. Ayer
2. Ethics

2012). در این معنا، انسان موجودی است آگاه، مختار، و مسئول که با محیط در تعامل است و بر مبنای رفتارهای خوب و بد مسئولیت پذیر است.

از زاویه‌ای دیگر، واژه سیاست در اندیشه اسلامی عبارت است از: مدیریت و رهبری جامعه در راستای مصالح مادی و معنوی (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳: ۱۵۷). گفتنی است سیاست، از نظر اسلام، یکی از باارزش‌ترین تکاپوهای انسانی، مهم‌ترین هدف بعثت انبیا و نیز در زمره عبادات و واجبات کفایی است. و در نهایت مراد از سیاست اخلاقی^۱ سیاستی است که در هدف و روش بر مبنای و محور اخلاق و ارزش‌های اخلاقی بنیان نهاده شود. هدف و روشی که به وسیله آن عزت و کرامت انسان از بین نرود و عبودیت حق تعالی تضمین شود و در نهایت رهبر جامعه اسلامی کامل‌ترین انسان از لحاظ فضایل اخلاقی باشد و در پرتو مدیریت مدبرانه خویش جامعه‌ای آباد، توسعه‌یافته، و مؤمن ایجاد کند که به فرموده پیامبر(ص): «الْأَنْسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» (مردم از رفتار و کردار مسئولین و رهبران تبعیت می‌کنند) (نقیه و ناجی، ۱۳۹۱: ۶۸). پس سیاست اخلاقی در حقیقت الگوی ارزشی و اخلاقی در اعمال سیاست و مدیریت در جامعه و سازمان است.

با سیری در مطالعات پژوهشی، می‌توان دریافت که تاکنون در زمینه‌های اخلاق مدیریت، اخلاق سیاسی، و سیاست اخلاقی پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است. در حوزه سیاست اخلاقی می‌توان به پژوهش‌های سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی (۱۳۹۱)، نقیه و ناجی (۱۳۹۱)، وحیدی‌منش (۱۳۸۷)، احمدی طباطبایی (۱۳۸۲)، لکزایی (۱۳۸۳)، خالقی (۱۳۹۳)، و غفارزاده (۱۳۸۲) اشاره کرد. در زمینه اخلاق سیاسی به پژوهش‌های لکزایی و لکزایی (۱۳۹۲)، شریفی (۱۳۸۸)، شریفی (۱۳۸۹)، مفتاح (۱۳۸۷)، بهشتی و صدریه (۱۳۸۹)، اکبری معلم (۱۳۹۴) در حوزه اخلاق و سیاست به پژوهش‌های رفیع و حلال‌خور (۱۳۹۰)، درخشه و شجاعی (۱۳۹۳)، سنگری و میرزاییان (۲۰۱۲)، رفیعی و دیگران (۱۳۹۲) و در زمینه اخلاق مدیریت به پژوهش‌های خسروانیان و رودپشتی (۱۳۹۰)، ربی‌پور و صمدی‌وندی (۱۳۸۹)، و خنیفر و دیگران (۱۳۹۴) اشاره کرد.

1. Ethical Policy

اهمیت و ضرورت توجه به اخلاق و سیاست اخلاقی در کشور و تأکید بر آن همواره آشکار بوده است. بررسی سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که ایران در افق بیست‌ساله آینده کشوری «توسعه‌یافته، با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه» است. از طرف دیگر، متکی بودن بر «اصول اخلاقی و ارزش‌های ملی و انقلابی»، «متعهدبودن به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران» برجسته است. همچنین، با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌های پژوهش حاضر، اگرچه مطالعات متعددی درباره اخلاق، اخلاق مدیریت، و اخلاق سیاسی انجام گرفته است، اما در بُعد سیاست اخلاقی مدیران، مطالعات اغلب به صورت موردی و پراکنده بوده و با نیازها و ویژگی‌های کشورهای خاصی متناسب است و بومی‌سازی متناسب با سیستم اسلامی - ایرانی انجام نگرفته است. بنابراین، با توجه به شکاف‌های موجود و اینکه سیاست اخلاقی به‌منزله حلقه مفقوده‌ای در سیستم آموزشی و به‌ویژه آموزش عالی کشور ما از اهمیت زیادی برخوردار است، پژوهش حاضر به دنبال فرا ترکیب پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سیاست اخلاقی مدیران بر مبنای آموزه‌های اسلامی برای پرکردن شکاف مطالعاتی و ارائه رهنمودهای سازنده برای مدیریت مؤسسات آموزش عالی است. پژوهشگران بر آنند که با فرا ترکیب مطالعات موجود شاید بتوانند نخستین قدم را در توسعه سیاست اخلاقی مدیریتی در آموزش عالی بردارند.

پیشینه تجربی دانش موجود در ارتباط با سیاست اخلاقی مدیران

یگانگی اخلاق و سیاست

طبق این نظریه، اخلاق سیاست فردی و سیاست اخلاق جمعی است. اخلاق و سیاست هر دو از شاخه‌های حکمت عملی و در پی تأمین سعادت انسان‌اند. تا آنجا که، طبق نظر خواجه نصیرالدین طوسی، سیاست فنی معرفی می‌شود که «برای تحقق زندگی اخلاقی پرداخته شده است» (هانری و کور، ۱۳۷۷: ۶۱۳). بنابراین، نمی‌توان مرز قاطعی بین اخلاق و سیاست قائل شد و این دو نمی‌توانند ناقض یکدیگر باشند.

تنها نظریه‌ای که می‌تواند مانع زیاده‌خواهی حاکمیت‌ها شود تأکید بر اصل یگانگی اخلاق و سیاست و ضرورت سیاست اخلاقی است که مد نظر این پژوهش است. مطالعات گذشته نشان می‌دهد که مدیران و سیاست‌آنان نقش حیاتی در ارائه چارچوبی اخلاقی برای اعضای سازمان ایفا می‌کند (Grojean et al.: 2004). مدیران دانشگاه می‌توانند از طریق مرتبط نمودن انتظارات اخلاقی، تأکید و پیگیری سیاست‌ها و اقداماتی که تقویت‌کننده رفتار اخلاقی باشد، و پاسخ‌گو نگه داشتن اعضای سازمان در قبال اعمال اخلاقی رفتار اخلاقی در سازمان را ارتقا دهند (Brown and Trevino, 2006). در اسلام نیز، که صاحب غنی‌ترین گنجینه‌های اخلاقی مانند قرآن، نهج‌البلاغه: صحیفه سجادیه، و احادیث است، مبنای اصلی سیاست اخلاقی پیوند دین و سیاست است که نتیجه حاصل از این اقدامات چیزی جز تأسیس سیاست اخلاقی در جامعه اسلامی نیست که می‌توان آن را در نظام آموزشی و آموزش عالی به کار بست. اما سیاست اخلاقی دقیقاً به چه معناست؟ سیاست اخلاقی در یک کلام عبارت است از سیاست پایبندی به اخلاق (دورانیش، ۱۳۸۸: ۱۴).

پرواضح است که سیاست اخلاقی به‌عنوان حلقه مفقوده‌ای در سیستم آموزشی و به‌ویژه سیستم آموزش عالی کشور ما از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا می‌تواند الگو، الگوساز، و نظریه‌پرداز این عرصه باشد. از این رو، پژوهش حاضر به این سؤال پاسخ خواهد داد که موضوع سیاست اخلاقی مدیران چگونه مورد توجه پژوهش‌های مدیریتی قرار گرفته است؟

پیشینه تجربی مطالعه

در ادامه به طور دقیق به شواهد پژوهشی که هم‌راستا و هم‌سو با مطالعه حاضر است اشاره خواهد شد. در این بخش از مطالعه سعی شده است به پژوهش‌هایی که آموزه‌های دینی را در تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی در کانون توجه قرار داده‌اند اشاره شود.

سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی (۱۳۹۱) در پژوهشی مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه آن حضرت را، که بر نه پایه استوار بود، شامل حق‌طلبی، عدالت‌محوری، ابزارانگاری قدرت، تقوای سیاسی، مردم‌گرایی، کرامت‌انسانی، صلح‌مداری، عهدمندی، و

مصلحت‌سنجی دانستند. در مطالعه نقیه و ناجی (۱۳۹۱) مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های این نوع نگرش از دیدگاه ایشان عبارت است از: حق‌مداری، نفی قدرت‌طلبی، رعایت حدود الهی در سیاست، تأکید بر سنت و روش پیامبر و امیرالمؤمنین، اولویت حفظ اسلام بر تمام امور حتی حقوق شخصی، استکبارستیزی، حفظ کرامت انسانی، پرهیز از امتیاز ویژه برای خواص که به وسیله آن‌ها جامعه به سمت صراط مستقیم و سرمنزل عبودیت الهی رهنمون می‌شود. در بررسی وحیدی‌منش (۱۳۸۷) نتایج بیانگر این بود که عناصر و ویژگی‌های سیاست اخلاقی شامل خدامحوری و آخرت‌گرایی است. همچنین، مهم‌ترین ارزش‌های سیاست اخلاقی عبارت بود از: حق‌مداری، عدالت‌محوری، وفای به عهد، و نگاه ابزاری به قدرت. احمدی طباطبایی (۱۳۸۲) در پژوهشی مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی حضرت علی(ع) را برشمردند: لزوم پرهیز از پیمان‌شکنی، فریب‌کاری و خیانت‌کاری در سیاست، لزوم پرهیز از دروغ و وعده کذب، مهربانی با مردم، پرهیز از کبر و غرور، پرهیز از ظلم و ستم، عفو و گذشت، و اکتفا به حداقل در استفاده از مواهب دنیوی. نتایج پژوهش لک‌زایی (۱۳۸۳) نشان داد که ترسیم مکتب هدایت در عرصه سیاست در تقابل با مکتب قدرت، نگاه ابزاری به معیشت دنیا و آدمیان در جهت تقرب به خدا، خدامحوری در تقابل با تفکر انسان خودسامان و خودبسند، تأکید بر مختاربودن انسان، و در نتیجه برقراری تناسب میان نوع نظام سیاسی و محتوای باطنی مردم، اصل رهبری الهی در مراتب سه‌گانه انبیا، اوصیا، و اولیا و اصرار بر تحقق فضایل اخلاقی در سطوح رهبری، نظام سیاسی، قوانین، نهادها، ساختارها، مردم و عملکردها از اهم شاخص‌های سیاست فضیلت‌گرا و متعالیه است. خالقی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود، مؤلفه‌های سیاست اخلاقی را شامل خودسازی درونی و اخلاقی یا اصلاح نفس، لزوم وجود قانون، اصلاح و سامان‌دهی خود و سپس دیگران، حفظ سنت، دفع فساد، و تدبیر و ترتیب کار می‌داند. غفارزاده (۱۳۸۲) ویژگی‌های زیر را برای سیاست حکومت امام علی(ع) برشمرد: حق‌مداری، عطوفت و مهربانی با مردم، شایسته‌سالاری و دقت در انتخاب کارگزاران، قاطعیت، نظارت بر اعمال کارگزاران، قائل‌بودن به ارزش و کرامت انسانی،

برنتافتن ستم و بی‌عدالتی، عدالت اجتماعی، درآمیختن مهربانی با درشتی، رعایت انصاف، آینده‌نگری و محاسبه در امر سیاست، صلح‌طلبی، مدارا و تسامح و تساهل، مبارزه با رانت و مفساد سیاسی و اقتصادی و در نهایت آمیختگی حاکمیت با باورهای دینی و اصول اخلاقی و انسانی.

در ادامه با کلیدواژه اخلاق سیاسی، که به مفهوم سیاست اخلاقی در مدیریت بسیار نزدیک است و از نظر ما نیز در این پژوهش این دو مفهوم یکسان تلقی شده است، مطالعات پژوهشی مرور خواهد شد.

نتایج پژوهش لکزایی و لکزایی (۱۳۹۲) بیانگر آن است که سیاست اخلاقی حاکم اسلامی باید مبتنی بر تقویت برادری در جامعه و سازمان و بسط عقلانیت یعنی پیگیری سیاست‌های اخلاقی با رویکرد بسط عقلانیت توسط دولت اسلامی باشد. یافته‌های این مطالعه به طور خاص می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری اخلاقی در مدیریت آموزش عالی باشد. نتایج پژوهش بهشتی و صدریه (۱۳۸۹) چهار بُعد را برای اخلاق سیاسی مدیران برمی‌شمارد: ۱. اخلاق فردی (درک صحیح از خود، تقوای الهی، زهد و ساده‌زیستی، متخلق به فضایل اخلاقی، و دوری از رذایل اخلاقی)؛ ۲. اخلاق سیاسی و اداری (درک صحیح از مسئولیت، حفظ حقوق مخالفان، قناعت از مردم، مراقبت از کارگزاران و برخورد با کارگزاران متخلف، عدالت‌گرایی، حق‌گرایی، و مردم‌سالاری دینی)؛ ۳. بُعد اجتماعی (دردسترس بودن حاکمان، فروتنی، برخورد به دور از تبعیض، برخورد قاطع، رازداری، مساوات و مواسات، رأفت و گشاده‌رویی، نماز اول وقت، دل‌جویی و محبت به مردم، عدم افراط و تفریط، اطلاع‌رسانی به مردم، مشورت با مردم، و شفاف‌سازی)؛ ۴. بُعد اخلاق مدیریتی (شامل مشورت در انجام دادن کارها، مشورت با دانشمندان، پاسخ‌گویی به نیاز مردم، انجام دادن به موقع امور، اجرای عدالت، و عفو و بخشش خطاها). شریفی (۱۳۸۹) در پژوهشی بیان کرد که در نظام اخلاقی نهج‌البلاغه، رابطه اخلاق و سیاست آن‌چنان قوی است که می‌توان آن را سیاست اخلاقی نامید و بیان شده است که دولت‌مردان موظف‌اند حقوق مردم را رعایت کنند، با مردم بر اساس مهر و محبت و عدالت رفتار

نمایند، و از تکبر، استبداد، خیانت، تملق، و چاپلوسی پرهیز کنند. شریفی (۱۳۸۸) به این نتیجه رسید که در اخلاق سیاسی، دولت‌مردان و سیاست‌مداران موظف‌اند برای ثبات و استقلال حکومت و نظام اسلامی تلاش کنند و با مردم مهربان باشند و با آنان در مسائل مهم سیاسی مشورت کنند، به حفظ وحدت و یکپارچگی اهتمام ورزند، و مشارکت سیاسی با مردم داشته باشند. مفتاح (۱۳۸۷) در پژوهش خود به ذکر جلوه‌هایی از اخلاق سیاسی پیامبر، قبل و بعد از تشکیل حکومت، پرداخت که عبارت است از: قاطعیت و جدیت در اهداف، صراحت در بیان اهداف، درک شرایط زندگانی پیروان، همراهی با رعیت در امور خرد و کلان، اهتمام به وحدت و انسجام ملی، قانون‌مداری، قاطعیت و استواری در اجرای تصمیمات، انتقادپذیری، برخورد قاطع با تخلفات عمال حکومت و تسامح با خطاکاران نادم، در دسترس بودن، پابندی به تعهدات و پیمان‌ها، و عفو دشمنان. رفیع و حلال‌خور (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های اخلاقی و رعایت آن‌ها در حیات سیاسی موجبات تفاهم، تساهل، همیاری، احترام به حقوق دیگران، و... را فراهم می‌آورد و عدم عنایت به ارزش‌های اخلاقی سبب استثمار، رشد دیکتاتوری، از بین رفتن حقوق و آزادی فردی و جمعی و... می‌شود. همچنین، رعایت اصول اخلاقی در سیاست یا اخلاقی‌کردن سیاست باعث ایجاد آرامش و صلح در جامعه، ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مسئولان و دست‌اندرکاران نظام اسلامی به آحاد جامعه می‌شود. درخشه و شجاعی (۱۳۹۳) در پژوهشی به این نتایج دست یافتند: تأسیس نظام سیاسی - الهی و مردمی مبتنی است بر رعایت اصل رضایت و اقبال عمومی در رهبری و مدیریت سیاسی جامعه، اصل عدالت‌خواهی با محوریت قانون و مساوات‌طلبی، اصل مردم‌گرایی، اصل عزت و کرامت انسانی، اصل شفاف‌سازی، اصل اخلاقی سلامت وسیله و هدف، نگاه ابزاری به حکومت، اصل توسعه مشارکت سیاسی، توجه به اصلاح و خودسازی رهبری پیش از اصلاح جمعی (الگو بودن)، محبت و خدمت‌گزاری به مردم، تأکید بر عدالت‌محوری، تأکید بر تقوا و آخرت‌گرایی و صبر بردباری. خسروانیان و رودپشتی (۱۳۹۰) شاخص‌های اخلاق درون‌سازمانی مدیران برای افراد تحت امر خویش از منظر نهج‌البلاغه را عبارت دانستند از:

پرهیز از رشوه‌خواری و رانت، ارزش‌یابی شایسته کارکنان، عدالت در نظارت بر کارکنان، شرح صدر و گزینش صحیح کارکنان، و شاخص‌های اخلاق برون‌سازمانی؛ و در بُعد عدالت اجتماعی شامل عدم تبعیض، حفظ امانت، و برخورد قاطع با خیانت‌کاران برشمردند و در بُعد مردم‌گرایی شامل رعایت عدل و انصاف در برخوردها، اعتراف حکومت به حقوق واقعی مردم، و تواضع و تساوی در نگاه به مردم دانستند. ربی‌پور و صمدی‌وند (۱۳۸۹) نیز به بررسی اخلاق مدیران و رفتارهای درون و برون‌سازمانی و کیفیت کاربرد فنون مدیریت مانند رایزنی، فروتنی، وفای به عهد، و محترم‌داشتن سنت‌های پسندیده گذشتگان پرداختند و تأثیر این رفتارها بر عوامل سازمانی سنجش و بررسی شد و به این نتیجه رسیدند که توفیق در مدیریت مستلزم داشتن صلاحیت‌های علمی و اخلاقی ذکر شده در بالاست. نتایج پژوهش خنیفر و دیگران (۱۳۹۴) بر لزوم به‌کارگیری ارزش‌های اخلاقی در علم مدیریت برای داشتن مدیریت بهتر و تصمیمات واقع‌بینانه و مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر جامعه و سازمان تأکید می‌کند و روش‌های زیر را برای واردکردن اخلاق در مدیریت پیشنهاد می‌دهد: اصل عدل، اصل احسان، اصل تقدم مصالح معنوی بر مصالح مادی، و تصمیم‌گیری اخلاقی. رفیعی و دیگران (۱۳۹۲) الگوی رهبری اخلاق‌مدار را بر پایه موارد زیر می‌دانند: رأفت و شفقت، درستکاری و اعتقاد صحیح، برابری و عدالت اجتماعی، عدل، خودکنترلی، احترام به مالکیت شخصی، رشد شخصی از طریق آموختن مداوم، رفتار قاطعانه، نگاه خوش‌بینانه و خیراندیشانه، تهذیب نفس. سنگری و میرزاییان (۲۰۱۲)، براساس مفاهیم قرآن و نهج‌البلاغه، به ابعاد چهارگانه ارتباط فرد با خویش، ارتباط با دیگران، ارتباط با خدا، و ارتباط با سازمان دست یافتند: ارتباط با خدا شامل مؤلفه‌های تواضع و خشوع در برابر خدا، جلب رضایت الهی، توکل و وفای به عهد است؛ رابطه با دیگران شامل مؤلفه‌های خوبی، تحقق وعده‌ها، خوش‌رویی، مناعت طبع، کمک به مؤمنان و حمایت از آنان، راهنمایی دیگران، عدالت اجتماعی، صداقت، اعتدال و میانه‌روی و درستکاری است؛ رابطه با خویش شامل مؤلفه‌های فراست و زیرکی، تزکیه نفس، آراستگی و صبر و بردباری است؛ و رابطه با سازمان نیز شامل نشانگرهای ارزیابی، رفتار خوب،

آموزش و خودتربیتی، و مشورت است. اکبری معلم (۱۳۹۴)، در پژوهشی با نام «شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، اخلاق سیاسی در بُعد فضایل اخلاقی را شامل امیدواری و رجا، رفق و مدارا، تواضع، حلم و بردباری، صداقت، انتقادپذیری، و ساده‌زیستی و زهد می‌داند.

روش‌شناسی پژوهش

طرح پژوهش: طی دو دهه اخیر، پژوهش‌های متعددی در حوزه اخلاق مدیریت، اخلاق سیاسی، و سیاست اخلاقی انجام گرفته است و پژوهشگران طبقه‌بندی‌های گوناگونی نیز ارائه کرده‌اند. حال باید با ترکیب دسته‌بندی‌های انجام‌گرفته عصاره این طبقه‌بندی‌ها را در یک طبقه جامع‌تر ارائه داد. در این راستا، یکی از روش‌های مورد مطالعه به منظور بررسی و ترکیب پژوهش‌های گذشته فرامطالعه^۱ است. فرامطالعه تجزیه و تحلیلی عمیق از کارهای پژوهشی انجام‌شده در یک حوزه خاص است و شامل چهار بخش اصلی است: فراتحلیل^۲ (تحلیل کمی محتوای مطالعات اولیه)؛ فراروش^۳ (تحلیل روش‌شناسی مطالعات اولیه)؛ فرانظری^۴ (تحلیل نظریه‌های مطالعات اولیه)؛ و فراترکیب^۵ (تحلیل کیفی محتوای مطالعات اولیه) (Bench and Day, 2010). در این میان فراترکیب نوعی مطالعه کیفی است که اطلاعات و یافته‌های استخراج‌شده از مطالعات کیفی دیگر با موضوع مرتبط و مشابه را بررسی می‌کند. فراترکیب با فراهم کردن نگرش نظام‌مند برای پژوهشگران از روش ترکیب پژوهش‌های کیفی مختلف به کشف موضوع‌ها و استعاره‌های جدید و اساسی می‌پردازد. این روش دانش جاری را ارتقا می‌دهد و دید جامع و گسترده‌ای را نسبت به مسائل فراهم می‌کند (Zimmer, 2006: 311-318). هدف فراترکیب ایجاد تفسیری خلاقانه و یکپارچه از یافته‌های کیفی است (Beck, 2002: 95). پژوهش حاضر، به لحاظ هدف، بنیادی، از حیث

-
1. Meta-Study
 2. Meta-Analysis
 3. Meta-Method
 4. Meta-Theory
 5. Meta-Synthesis

نحوه به دست آوردن داده‌ها توصیفی و به لحاظ روش‌شناسی^۱ کیفی و با استفاده از روش فراترکیب است. در این پژوهش به منظور تحقق هدف پژوهش از روش هفت مرحله‌ای (Sandelowski and Barros, 2007) استفاده شده که شامل این موارد است: ۱. تنظیم سؤال پژوهش؛ ۲. جست‌وجو و انتخاب مقالات مناسب؛ ۳. انجام دادن ادبیات سیستماتیک؛ ۴. استخراج اطلاعات مقاله؛ ۵. کنترل کیفیت؛ ۶. تجزیه، تحلیل، و ترکیب یافته‌های کیفی؛ ۷. ارائه یافته‌ها.

برای گردآوری داده‌های پژوهش از اسناد و مدارک گذشته استفاده شده که شامل کلیه پژوهش‌های انجام‌گرفته (اعم از پژوهشی و مروری) در زمینه اخلاق، اخلاق مدیریت، اخلاق سیاسی، و سیاست اخلاقی است. در فراترکیب، متن پژوهش‌های گذشته به‌عنوان داده محسوب می‌شود.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه سیاست اخلاقی است که از محل دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، کنفرانس‌ها، همایش‌ها، نشریات، کتب، پایگاه‌های اینترنتی، و غیره تأمین شده است. با بررسی پژوهش‌ها از طریق سامانه جست‌وجوی کتابخانه‌ها، پژوهشکده‌ها، و تارگه‌هایی چون جهاد دانشگاهی (SID)، مرکز پژوهش‌های علوم رایانه‌ای اسلامی (NOORSOFT)، مقالات علمی کنفرانس‌های کشور (CIVILICA)، پایگاه نشریات کشور (MAGIRAN)، و ایران‌داک (IRANDOC)، با کلمه «سیاست اخلاقی» در فیلد عنوان و غربال پژوهش‌ها بر اساس «عنوان، چکیده، و محتوا»، جمعاً بیست پژوهش به دست آمد. به دلیل کمبود تعداد اعضای جامعه پژوهش، نمونه‌گیری انجام نگرفت.

روش تحلیل داده‌های پژوهش: پس از شناسایی پژوهش‌های مورد نظر، کلیه متن این پژوهش‌ها به‌عنوان یک داده برای پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش در نظر گرفته شد. بنابراین، داده‌ها از نوع کیفی‌اند و به دلیل کیفی بودن داده‌ها از یکی از معروف‌ترین شیوه تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی استفاده شده است که گدگذاری نام دارد. در این شیوه، گدها از متن

مقاله استخراج می‌شود (کُدگذاری مرتبه اول). سپس، بر روی این کُد‌های استخراج‌شده مجدداً کُدگذاری دیگری انجام می‌گیرد که مفاهیم را شکل می‌دهد (کُدگذاری مرتبه دوم)، و در نهایت بر روی مفاهیم نیز کُدگذاری دیگری انجام می‌گیرد تا مقوله‌ها حاصل شود (متن - کُد - مفهوم - مقوله).

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، با استفاده از روش فرا ترکیب، پس از گردآوری و بررسی داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری‌شده در زمینه سیاست اخلاقی مدیران آموزش عالی بر مبنای آموزه‌های اسلامی، به یافته‌های پژوهش پرداخته شده است. از میان بیست پژوهش بررسی‌شده، هفت مورد صرفاً به بحث پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سیاست اخلاقی پرداخته‌اند. ده مورد به مباحثی که در زمینه اخلاق سیاسی و اخلاق مدیریت انجام‌گرفته است پرداخته‌اند و سه مورد نیز اخلاق و رهبری اخلاقی را بررسی کرده‌اند. به دلیل زیاد و حجیم بودن متن پژوهش‌های موجود، از آوردن متن مقاله خودداری و از مرحله کُدگذاری شروع شده است. نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام‌گرفته در زمینه سیاست اخلاقی مدیران، در پنج عامل اصلی قابل طبقه‌بندی است که عبارت‌اند از:

۱. عامل مدیریتی - رهبری: مجموعه دانش، نگرش، مهارت، و توانمندی‌های مدیریتی مدیران در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و... جهت پیشبرد و تحقق اهداف آموزش عالی.
۲. عامل شخصیتی - رفتاری: به مجموعه ویژگی‌ها و مهارت‌های ذاتی و درونی مدیران در تعاملات، تصمیم‌گیری‌ها، منش و برخورد با مجموعه کارکنان در سازمان و جامعه اشاره دارد.
۳. عامل ارتباطی - تعاملی: به معنای توان برقراری ارتباطات مثبت فردی، سازمانی، و فراسازمانی به صورت رسمی و غیررسمی، شناخت مسائل و مشکلات افراد و سازمان، و حل مشکلات به صورت صمیمانه و همراه محبت و حفظ شأن و حرمت افراد است.

۴. عامل ارزشی - اعتقادی: به مجموعه باورهای اخلاقی و انسانی مدیران، معنویت‌گرایی، و مداومت در اعمال و نیت خیرخواهانه آنان اشاره دارد که به حفظ کرامت انسانی و در نظر گرفتن حق و حقوق دیگران و محوریت خداوند در انجام دادن همه امور منجر می‌شود.

۵. عامل دانشی - تحلیلی: منظور از آن برخورداری از دانش، مرجعیت علمی و توان شناخت سیستم، منابع و ظرفیت‌ها، قدرت نقد و تحلیل مسائل مبتلابه نظام آموزش عالی در جهت ارائه راهکارهای سازنده و حل مشکل است.

در ادامه، نتایج حاصل از مطالعه مبانی نظری پیشین و بررسی تطبیقی پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه سیاست اخلاقی مدیران، منتهی به استخراج ۱۴۳ گُذ، ۵۲ مفهوم، و ۵ مقوله شد که به صورت یکپارچه در قالب پنج جدول زیر بیان شده است.

جدول ۱. مفاهیم و گُذهای مربوط به مقوله مدیریتی - رهبری

مقوله	مفهوم	کدها و منابع مربوطه
	مدیریت مشارکتی	توسعه مشارکت (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، مشارکت‌پذیری (شریفی، ۱۳۸۸)
	هدایتگری	هدایت به سوی سعادت (لکزایی، ۱۳۸۳)، راهنمایی دیگران (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)
ت. ش. س. ا. م. ن.	تشویق و پاداش	پاداش‌دهی (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)، تشویق (غلامی، ۱۳۸۸)
	شفاف‌سازی اهداف	صراحت در بیان اهداف (مفتح، ۱۳۸۷)، شفاف‌سازی در بیان اهداف (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی به مردم (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)
	تدبیر مدیریتی	تدبیر و ترتیب کار (خالقی، ۱۳۹۳)، سیاست و مدیریت (اکبری، ۱۳۷۸)
	نظارت و ارزیابی	نظارت و ارزش‌یابی (غلامی، ۱۳۸۸)، نظارت بر اعمال کارگزاران (غفارزاده، ۱۳۸۲)، مراقبت از کارگزاران و برخورد با کارگزاران متخلف (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، ارزش‌یابی شایسته کارکنان (خسروانیا و رودپشتی، ۱۳۹۰)
	آینده‌نگری	آینده‌نگری و محاسبه در امر سیاست (غفارزاده، ۱۳۸۲)

جدول ۲. مفاهیم و گدهای مربوط به مقوله شخصیتی - رفتاری

مقوله	مفهوم	گدها و منابع مربوطه
۲. مقوله شخصیتی - رفتاری	شایسته‌سالاری	شایسته‌سالاری (دقت در انتخاب کارگزاران) (غفارزاده، ۱۳۸۲)، گزینش صحیح کارکنان (خسروانیان و رودپشتی، ۱۳۹۰)
	مشورت‌پذیری	مشورت‌پذیری (شریفی، ۱۳۸۸)، مشورت (سنگری، ۲۰۱۲)، رایزنی (ربی‌پور و صمدی‌وندی، ۱۳۸۹)، مشورت با مردم، مشورت با دانشمندان (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)
	مسئولیت‌پذیری	حسن مسئولیت‌پذیری (رفیع و حلال‌خور، ۱۳۹۰)
	قناعت/عدم اسراف	اکتفا به حداقل‌ها در مواهب دنیا (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲)
	تواضع و فروتنی	فروتنی (ربی‌پور و صمدی‌وندی، ۱۳۸۹؛ بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، تواضع (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲؛ خسروانیان و رودپشتی، ۱۳۹۰؛ اکبری معلم، ۱۳۹۴)، پرهیز از کبر و غرور (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲)
	نمونه و الگوی اخلاقی بودن	اصلاح خود پیش از اصلاح دیگران (درخشه، شجاعی، ۱۳۹۳)، پایبندی به مکارم اخلاق (حرائی، ۱۳۸۲)، متخلق به فضایل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی (بهشتی، صدریه، ۱۳۸۹)
	اعتدال و میانه‌روی	اعتدال و میانه‌روی (سنگری، میرزاییان، ۲۰۱۲)، عدم افراط و تفریط (بهشتی، صدریه، ۱۳۸۹)
	نظم و وقت‌شناسی	آراستگی (سنگری، میرزاییان، ۲۰۱۲)، انجام به موقع امور (بهشتی، صدریه، ۱۳۸۹)
	سعه صدر	صبر و بردباری (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲؛ درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، حلم و بردباری (اکبری معلم، ۱۳۹۴)، شرح صدر (خسروانیان و رودپشتی، ۱۳۹۰)
	حق‌طلبی	حق‌طلبی (سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱؛ نقیه و ناجی، ۱۳۹۱)، حق‌محوری (وحیدی‌منش، ۱۳۸۷)، حق‌مداری (غفارزاده، ۱۳۸۲)، حفظ حقوق مخالفان، حق‌گرایی (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، اعتراف حاکمان به حقوق مردم (خسروانیان و رودپشتی، ۱۳۹۰)
	قاطعیت	قاطعیت در هدف (مفتح، ۱۳۸۷)، برخورد قاطع با خطاکاران، قاطعیت و استواری در تصمیمات (مفتح، ۱۳۸۷)، قاطعیت (غفارزاده، ۱۳۸۲)، رفتار قاطعانه (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲؛ بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، برخورد قاطع با خیانت‌کاران (خسروانیان و رودپشتی، ۱۳۹۰)
	قانون‌گرایی	قانون‌مداری (مفتح، ۱۳۸۷)، پرهیز از امتیازات ویژه برای خواص (نقیه و ناجی، ۱۳۹۱)، وجود قانون و وضع قوانین (خالقی، ۱۳۹۳)، احترام به حقوق دیگران (رفیع و حلال‌خور، ۱۳۹۰)
	امانت‌داری	حفظ امانت (خسروانیان و رودپشتی، ۱۳۹۰)
	عفو و گذشت	تساهل (رفیع و حلال‌خور، ۱۳۹۰)، عفو و گذشت (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲؛ بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، عفو دشمنان و تسامح با خطاکاران نادم (مفتح، ۱۳۸۷)
	فراست و هوشیاری	فراست (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)

جدول ۳. مفاهیم و گدهای مربوط به مقوله ارتباطی - تعاملی

مقوله	مفهوم	گدها و منابع مربوطه
۳. ارتباطی - تعاملی	پاسخ‌گویی	پاسخ‌گویی به آحاد جامعه (رفیع و حلال‌خور، ۱۳۹۰)، پاسخ‌گویی به نیاز مردم (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)
	صداقت و درستکاری	صداقت (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲؛ اکبری معلم، ۱۳۹۴)، عدم خیانت، عدم فریب‌کاری، پرهیز از دروغ (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲)، درستکاری (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)، دوری از اخلاق پست (حرانی، ۱۳۸۲)، عدم خیانت (شریفی، ۱۳۸۹)، دفع فساد (خالقی، ۱۳۹۳)، درستکاری و اعتقاد صحیح (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲)، آمیختگی حاکمیت با باورهای دینی و اصول اخلاقی و انسانی (غفارزاده، ۱۳۸۲)
	رازداری	رازداری (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)
	همیاری	همیاری (رفیع و حلال‌خور، ۱۳۹۰)، همکاری با رعیت در امور خرد و کلان (مفتح، ۱۳۸۷)، کمک به کارکنان در تنش‌ها و مشکلات (مارملی‌یر، ۲۰۰۶)
	در دسترس بودن	در دسترس بودن (مفتح، ۱۳۸۷؛ بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)
	جاذبه و دافعه	در آمیختن مهربانی با درشتی (غفارزاده، ۱۳۸۲)
	مردم‌داری	خوش‌رویی (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)، مهربانی با مردم (شریفی، ۱۳۸۸؛ احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲)، رفتار خوب (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)، مردم‌گرایی (سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱؛ درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، محبت به مردم (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، رعایت حقوق مردم، مهر و محبت (شریفی، ۱۳۸۹)، عطوفت و مهربانی با مردم (غفارزاده، ۱۳۸۲)، مدارا و تسامح (غفارزاده، ۱۳۸۲)، رفق و مدارا (اکبری معلم، ۱۳۹۴)، رأفت و شفقت (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲)، دل‌جویی و محبت به مردم، رأفت و گشاده‌رویی، مردم‌سالاری دینی، قدردانی از مردم (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، اصل احسان (خننیر و دیگران، ۱۳۹۲).
	صلح‌طلبی	صلح‌طلبی (غفارزاده، ۱۳۸۲)
	نقدپذیری	انتقادپذیری (مفتح، ۱۳۸۷؛ اکبری معلم، ۱۳۹۴)

جدول ۴. مفاهیم و گداهای مربوط به مقوله ارزشی - اعتقادی

مقوله	مفهوم	گداه و منابع مربوطه
۴. ارزشی - اعتقادی	حفظ وحدت و یکپارچگی در سازمان	حفظ وحدت (شریفی، ۱۳۸۸)، اهتمام به وحدت و انسجام ملی (مفتح، ۱۳۸۷)، تقویت برادری در جامعه و سازمان (لکزایی و لکزایی، ۱۳۹۲)
	عدالت محوری	عدالت اجتماعی (سنگری، ۲۰۱۲؛ غفارزاده، ۱۳۸۲)، عدالت محوری (سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱؛ وحیدی‌منش، ۱۳۸۷)، عدالت‌خواهی و عدالت‌محوری (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، برقراری عدالت (خالقی، ۱۳۹۳)، مساوات و برابری (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، عدالت (شریفی، ۱۳۸۹)، عدل (خننیر و دیگران، ۱۳۹۲)، برابری و عدالت اجتماعی، عدل (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲)، عدالت‌گرایی (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، مساوات، برخورد به دور از تبعیض (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، رعایت عدل و انصاف در برخوردها، تساوی در نگاه و برخورد با مردم، عدم تبعیض، عدالت در نظارت بر کارکنان (خسروانیان و رودپشتی، ۱۳۹۰)، رعایت انصاف (غفارزاده، ۱۳۸۲)
	ابزارانگاری قدرت در جهت تعالی انسانی و اخلاقی	نگاه ابزارگری به معیشت دنیا (لکزایی، ۱۳۸۳)، ابزارانگاری قدرت (سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱؛ وحیدی‌منش، ۱۳۸۷)، نگاه ابزارگری به حکومت (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)
	توکل به خدا (خدامحوری)	توکل (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)، خدامحوری (لکزایی، ۱۳۸۳)، رعایت حدود الهی (نقیه و ناجی، ۱۳۹۱؛ وحیدی‌منش، ۱۳۸۷)
	آخرت‌گرایی (یاد مرگ)	آخرت‌گرایی (وحیدی‌منش، ۱۳۸۷؛ درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)
	استبدادگریزی	نفی قدرت‌طلبی (نقیه و ناجی، ۱۳۹۱)، پرهیز از ظلم و ستم (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲)، عدم استبداد (شریفی، ۱۳۸۹)، برتافتن ستم (غفارزاده، ۱۳۸۲)
	وفای به عهد	وفای به عهد (ربی‌پور و صمدی‌وندی، ۱۳۸۹؛ سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲؛ وحیدی‌منش، ۱۳۸۷)، تحقق وعده‌ها (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)، عهدمندی (سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱)، پرهیز از پیمان‌شکنی (احمدی طباطبایی، ۱۳۸۲)، پایبندی به تعهدات و پیمان‌ها (مفتح، ۱۳۸۷)، پایبندی به اخلاق (دوران‌دیش، ۱۳۸۸)
	احترام به سنت‌های پسندیده گذشتگان	محترم‌داشتن سنت‌های پسندیده گذشتگان (ربی‌پور و صمدی‌وندی، ۱۳۸۹)، تأکید بر سنت پیامبر و اولیای الهی (نقیه و ناجی، ۱۳۹۱)، حفظ سنت (خالقی، ۱۳۹۳)
	تقوamahوری	تقوای سیاسی (سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱؛ درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، تقوای الهی (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)، نماز اول وقت (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)
	حفظ کرامت انسانی	حفظ کرامت انسانی (سلطان‌محمدی و سلطان‌محمدی، ۱۳۹۱؛ نقیه و ناجی، ۱۳۹۱)، قائل به ارزش و کرامت انسانی (غفارزاده، ۱۳۸۲)، احترام به مالکیت شخصی (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲)
	تصمیم‌گیری اخلاقی	تصمیم‌گیری اخلاقی (غلامی، ۱۳۸۸؛ خننیر و دیگران، ۱۳۹۲)

ادامه جدول ۴. مفاهیم و گدهای مربوط به مقوله ارزشی - اعتقادی

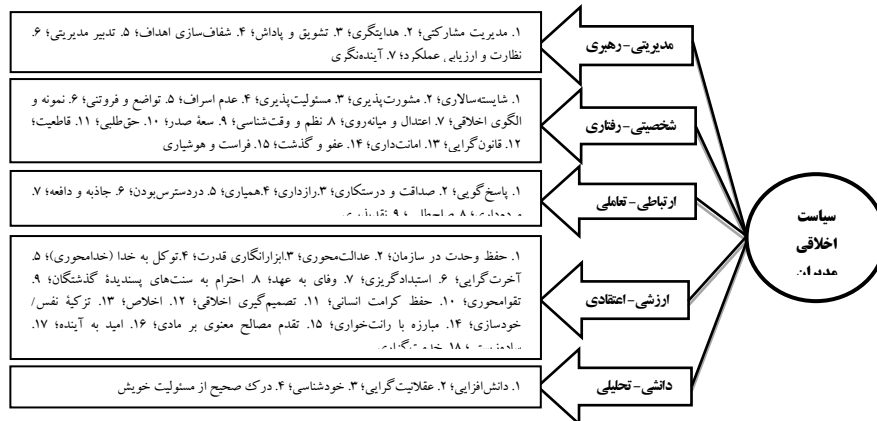
مقوله	مفهوم	گدها و منابع مربوطه
	تزکیه نفس/ خودسازی	تزکیه نفس (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)، خودسازی درونی و اصلاح نفس (خالقی، ۱۳۹۳)، تهذیب نفس (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲)، توجه به اصلاح و خودسازی (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)، حفظ عزت و کرامت نفس (نقیه و ناجی، ۱۳۹۱)، اصلاح و سامان‌دهی خود و سپس دیگران (خالقی، ۱۳۹۳)، خودکنترلی (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲)
	مبارزه با رانت‌خواری	مبارزه با رانت و مفاسد سیاسی و اقتصادی (غفارزاده، ۱۳۸۲)، پرهیز از رشوه‌خواری و رانت (خسروانیان و رودپشتی، ۱۳۹۰)
	قدم مصالح معنوی بر مادی	اصل تقدم مصالح معنوی بر مصالح مادی (خننفر و دیگران، ۱۳۹۲)
	امید به آینده	امیدواری و رجا (اکبری معلم، ۱۳۹۴)، نگاه خوش‌بینانه و خیراندیشانه (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲)
	ساده‌زیستی و زهد	ساده‌زیستی و زهد (اکبری معلم، ۱۳۹۴؛ بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)
	خدمت‌گزاری	خدمت‌گزاری (درخشه و شجاعی، ۱۳۹۳)

جدول ۵. مفاهیم و گدهای مربوط به مقوله دانشی - تحلیلی

مقوله	مفهوم	گدها و منابع مربوطه
دانش‌رانی	دانش‌افزایی	رشد شخصی با آموختن مداوم (رفیعی و دیگران، ۱۳۹۲)، آموزش و خودتربیتی (سنگری و میرزاییان، ۲۰۱۲)
	عقلانیت‌گرایی	پیگیری سیاست‌های اخلاقی با رویکرد بسط عقلانیت توسط دولت اسلامی (لکزایی و لکزایی، ۱۳۹۲)
	خودشناسی	درک صحیح از خود (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)
	درک صحیح از مسئولیت	درک صحیح از مسئولیت (بهشتی و صدریه، ۱۳۸۹)

در ادامه الگوی مفهومی سیاست اخلاقی به صورت منسجم و در ۵ مقوله و ۵۲ مفهوم

ارائه شده است.



نمودار ۱. مدل مفهومی استخراج‌شده سیاست اخلاقی مدیران از یافته‌های پژوهش حاضر

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله کنونی با هدف کاوش پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه سیاست اخلاقی مدیران آموزش عالی از منظر آموزه‌های اسلامی، با رویکرد روش‌شناسی فرا ترکیب، نگاشته شده است. مدل مفهومی استخراج‌شده پژوهش، که حاصل مطالعه ادبیات موضوع، پژوهش‌ها، و منابع مرتبط با موضوع سیاست اخلاقی و نیز منابع اسلامی و ایرانی است، شامل ۵ مقوله و ۵۲ مفهوم است. این مقوله‌ها عبارت است از: مدیریتی- رهبری؛ ارتباطی- تعاملی؛ شخصیتی- رفتاری؛ ارزشی- اعتقادی؛ و دانشی- تحلیلی.

در مقایسه بین مقوله‌های مدل یادشده با ابعاد ارائه‌شده از سوی دیگر پژوهشگران، که در ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش حاضر آمده است، می‌توان گفت هر یک از مدل‌های ذکرشده از زوایای مختلف سیاست اخلاقی را بررسی و کاوش کرده‌اند و به صورت عمده بر محوریت رعایت اخلاقیات و ارزش‌های اخلاقی و انسانی در رفتار و کردار مدیران و کارگزاران سازمانی بنا شده است. مقوله‌ها و مفاهیم ارائه‌شده در پژوهش حاضر در برخی زمینه‌ها با مدل‌های پیشین تشابه داشته، ولی از این نظر، که به ارائه مدل منسجم و کاربردی پرداخته است و مفاهیم بااهمیت‌تر و دارای فراوانی بیشتر که در پژوهش‌های متعدد به آن تأکید شده است مد نظر قرار داده است، با پژوهش‌های انجام‌شده متفاوت است. از این

زاویه، پژوهش کنونی دارای سهم نظری در مطالعات سازمانی به‌ویژه مطالعات آموزش عالی است. در پژوهش حاضر، از بین ۵۲ مقوله بررسی شده، مقوله‌های نظارت و ارزیابی، شایسته‌سالاری، مشورت‌پذیری، تواضع و فروتنی، سعه صدر، حق‌طلبی، قاطعیت، قانون‌گرایی، عدالت‌محوری، وفای به عهد، حفظ کرامت انسانی، تزکیه نفس و خودسازی، صداقت و درستکاری و مردم‌داری دارای بیشترین فراوانی و تکرار بوده‌اند که نشان از اهمیت و اولویت این مقوله‌ها دارد و نیاز است کارکنان و مدیران سازمان‌ها، به‌ویژه سازمان‌های آموزشی و آموزش عالی، توجه ویژه به آن داشته باشند و همواره این موارد را در رفتار و کردار خود متجلی سازند.

نتیجه اینکه در تفکر اسلامی، هدف اساسی رشد و بالندگی کارکنان است و سازمان و مدیریت آن بستری برای شکوفایی استعدادها بالقوه کارکنان و حمایت از آنان جهت رسیدن به کمال مطلوب اخلاقی و انسانی است. بنابراین، پرداختن به این امر می‌تواند بستر مناسبی برای حاکمیت رویکرد مدیریت بر مبنای اخلاق و سیاست اخلاقی در سازمان را فراهم کند و از این طریق، ضمن ایجاد فضای لازم برای دستیابی کارکنان به اهداف فردی خود، زمینه مناسب برای اثربخشی سازمانی را نیز فراهم سازد. در این زمینه، توسعه و نهادینه‌سازی سیاست اخلاقی و اسلامی در درجه اول کارکنان و مدیران و در نتیجه سازمان را در مسیر کمال پیش می‌برد و در درجه دوم موجب افزایش چشم‌گیر کارایی و اثربخشی سازمانی می‌شود؛ زیرا با وجود کارکنان و مدیران خدامحور که کار و مسئولیت را امانتی از جانب خداوند می‌دانند و به حقوق و وظایف کاری آشنا هستند، سازمان و کارکنان به اوج شکوفایی اخلاقی و انسانی می‌رسند. الگوی پیشنهادی در این پژوهش می‌تواند نقطه عطفی جهت توجه و بررسی بیشتر و عمیق‌تر در حوزه اخلاقیات و سیاست اخلاقی مدیران آموزشی و به‌ویژه آموزش عالی باشد. در پایان بر اساس یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای لازم ارائه شده است:

- پژوهش و ارائه مدل‌های بومی - اسلامی در زمینه سیاست اخلاقی مدیران سازمان‌ها

به‌ویژه در آموزش عالی؛

- تدوین نقشه راهبردی پژوهش در حوزه سیاست اخلاقی در دانشگاه به‌مثابه راهنمای عمل برای پژوهشگران، کارکنان، و مدیران علاقه‌مند به حوزه اخلاقیات و آموزه‌های اسلامی؛
- بررسی راهکارهای عملی و اجرایی مشارکت حوزه و دانشگاه در زمینه تدوین الگوهای سیاست اخلاقی در نهادها و مؤسسات آموزش عالی؛
- تدوین الگوی توسعه انجمن‌ها و پژوهشکده‌های اخلاقی - اسلامی جهت بسط دانش نظری و عملی در زمینه سیاست اخلاقی؛
- فرهنگ‌سازی و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و ترویج فضایل اخلاقی در محیط‌های دانشگاه؛
- مقایسه تطبیقی بین نتایج حاصل از این پژوهش و پژوهش‌های مشابه در راستای کشف هر چه صحیح‌تر آسیب‌ها و پُرکردن خلأها در زمینه مدیریت اسلامی و سیاست اخلاقی.

منابع

القرآن الکریم

۱. احمدی طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱۳۸۲). مؤلفه‌های سیاست اخلاقی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)، فصل‌نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۸ و ۱۹: ۱۱۵-۱۳۴.
۲. اکبری معلم، علی (۱۳۹۴). شاخص‌های اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۲(۴۲): ۶۳-۸۰.
۳. بهشتی، احمد و صدریه، پیام (۱۳۸۹). اخلاق سیاسی در نامه‌های نهج‌البلاغه، فصل‌نامه النهج، ۳۰: ۱۱-۴۰.
۴. حشمت‌زاده، محمدباقر (۱۳۷۷). مسائل اساسی علم سیاست، تهران: کانون اندیشه جوان.
۵. خالقی، علی (۱۳۹۳). سیاست اخلاقی در اندیشه‌های افضل‌الدین کاشانی، علوم سیاسی، ۱۷(۶۵): ۱۱۷-۱۵۳.
۶. خسروانیان، حمیدرضا و شفیعی رودپشتی، میثم (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی الگوی مدیریت اخلاق در سازمان در مکاتب غربی و آموزه‌های علوی، پژوهش‌نامه اخلاق، ۴(۱۲): ۱۴۵-۱۷۷.
۷. خنیفر، حسین، بزاز، زینب و مولوی، زینب (۱۳۹۴). فلسفه اخلاق در علم مدیریت، فصل‌نامه مدیریت اسلامی، ۲۳(۱): ۱۳۷-۱۵۸.
۸. درخشه، جلال و شجاعی، جبار (۱۳۹۳). نسبت اخلاق و سیاست در سیره سیاسی امام سجاد (ع)، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۴۴(۱): ۱۷۴-۱۵۵.
۹. دورانیش، روشنگر (۱۳۸۸). سیاست اخلاقی در اسلام، فصل‌نامه گزارش، ۱۸(۲۱۰): ۱۴-۱۵.
۱۰. ربی‌پور، محمدعلی و صمدی‌وند، منوچهر (۱۳۸۹). اخلاق مدیریت از منظر آیات و روایات، فراسوی مدیریت، ۴(۱۵): ۲۱۱-۲۲۸.
۱۱. رضایی، حسین و سبزی‌کاران، اسماعیل (۱۳۹۰). بررسی اثر فرهنگ اسلامی بر رفتار شهروندی سازمانی: موردکاوی دفاتر پلیس + ۱۰ شهر تهران، فصل‌نامه پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، ش ۱۵.

۱۲. رفیع، حسین و حلال‌خور، مهرداد (۱۳۹۰). تعامل اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی (ره)، پژوهش‌نامه متین، ۵۲: ۱۰۳-۱۲۲.
۱۳. رفیعی، مجتبی، علی احمدی، علی‌رضا، موسوی، محمد و کرمانی، محمد (۱۳۹۲). رهبری اخلاق‌مدار، ثمره پارادایم مدیریت اسلامی، پژوهش‌نامه اخلاق، ۶(۲۰): ۷۶-۴۹.
۱۴. سلطان‌محمدی، حسین و سلطان‌محمدی، فاطمه (۱۳۹۱). تبیین مؤلفه‌های سیاست اخلاقی امام علی (ع) پس از رسیدن به امامت و حکومت، پژوهش‌نامه علوی، ۳(۱): ۹۱-۱۱۶.
۱۵. سند اسلامی شدن دانشگاه‌ها (۱۳۹۲). مصوب جلسه ۷۳۵ مورخ ۱۳۹۱/۴/۲۵ شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸۰-۱.
۱۶. شالباف، عذرا (۱۳۸۸). نگاهی به معضلات و الگوی راهبردی ترویج اخلاق در سازمان‌های آموزشی، فصل‌نامه اخلاق در علوم و فناوری، ۴(۱ و ۲): ۹۳-۱۰۳.
۱۷. شریفی، عنایت‌الله (۱۳۸۸). اخلاق سیاسی از منظر قرآن کریم، فصل‌نامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی، ۳(۱۱): ۹۷-۱۱۲.
۱۸. شریفی، عنایت‌الله (۱۳۸۹). اخلاق سیاسی از منظر نهج‌البلاغه، فصل‌نامه رهیافت انقلاب اسلامی، ۴(۱۳): ۸۷-۱۰۴.
۱۹. غفارزاده، علی (۱۳۸۲). حکومت علوی، الگوی سیاست اخلاقی، فصل‌نامه انقلاب اسلامی، ۴(۹ و ۱۰): ۱۳۰-۱۴۷.
۲۰. غلامی، علی‌رضا (۱۳۸۸). اخلاق سازمانی: مشکلات، موانع، و راهکارها، دوماه‌نامه توسعه انسانی پلیس، ۶(۲۵): ۶۵-۸۵.
۲۱. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۷). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای، تهران: انتشارات سرآمد؛ مؤسسه مطالعات بهره‌وری و مبانی انسانی.
۲۲. فیوضات، ابراهیم (۱۳۸۳). فرهنگ اخلاق کار و نخبه‌گرایی در ایران، تهران: نشر شادگان.
۲۳. لکزایی، نجف (۱۳۸۳). سیاست اخلاقی در اندیشه صدرالمتألهین، فصل‌نامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، ۲۶-۲۷: ۵۲.
۲۴. لکزایی، نجف و لکزایی، رضا (۱۳۹۲). نظام اخلاق سیاسی امام خمینی (ره)، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، ۲(۶): ۴۹-۷۲.

۲۵. محفوظی، عباس (۱۳۹۰). اخلاق اسلامی، درس‌هایی درباره مبانی اخلاق، تقوا و صفات تقوایی‌پیشگان، ج ۲، قم: مشهور.
۲۶. مفتاح، محمدهادی (۱۳۸۷). اخلاق سیاسی در رفتار پیامبر(ص)، فصل‌نامه علوم حدیث، ۱۳(۲): ۱۰۰-۱۲۵.
۲۷. نقیه، محمدرضا و ناجی، علیرضا (۱۳۹۱). سیاست اخلاقی در سیره امام رضا(ع)، فصل‌نامه اخلاق، ۲(۶): ۶۷-۸۶.
۲۸. نهج‌البلاغه (۱۳۸۳). گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد دشتی، قم: آل‌علی.
۲۹. وحیدی‌منش، حمزه‌علی (۱۳۸۷). نمایی کلی از سیاست اخلاقی، فصل‌نامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۴(۱۲): ۷۷-۱۰۰.
۳۰. هانری، شارل و کور، دوفوشر (۱۳۷۷). اخلاقیات: مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری، ترجمه محمدعلی امیرمعزی و عبدالمحمد روح‌بخشان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۳۱. یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۱). کیفیت در آموزش عالی، تهران: سمت.
32. Adhikari, D.R. (2010). Knowledge management in academic institutions, *International Journal of Educational Management*, 24(2): 94-104.
33. Ayer, A.J. (2002). *Language, Truth & Logic, First Edition, London*: Penguin Books.
34. Beck, C. (2002). Mothering Multiples :A Meta-Synthesis of the Qualitative Research, *MCN, The American Journal of Maternal /Child Nursing*, 28(2): 93-99.
35. Bench, S. and Day, T. (2010). The user experience of critical care discharges: a meta-synthesis of qualitative research, *International journal of nursing studies*, 47(4): 487-499.
36. Brown, M.E. and Trevino, L.K. (2006). *Ethical leadership: A review and future directions, The Leadership Quarterly* (17): 595-616.
37. Fisher, J. and Bonn, I. (2007). International Strategies and ethics: exploring the tension between head office and subsidiaries, *Management Decision*, 45(10): 1560-1572.
38. Grojean, M.W. et al. (2004). Leaders, Values, and Organizational Climate: Examining and Leadership strategies for Establishing an Organizational Climate Regarding Ethics, *Journal of Business Ethics*, 55(3): 223-241.
39. *International Congress of Ethics in Education*. (2012). Medical University of Tehran, (In Persian), Available at: <http://icee.tums.ac.ir>. Accessed: 9 June, 2012.
40. Janati, A., Dadgar, E., Tabrizi J.S., Asghari Jafarabadi, M. and GHolamzade

- Nikjoo, R. (2012). *Health system professionals, attitude towards necessary criteria for hospitals managers, performance assessment*, 14(3): 91-101.
41. Sandelowski, M. and Barros, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*, Springer publishing company Inc.
42. Sangari, N. and Mirzaeian, R. (2012). Staff moral values of Islam are based on a qualitative content analysis technique, *Life Science Journal*, 9(4): 3544-3552.
43. Zimmer, L. (2006). Qualitative meta-synthesis :a question of dialoguing with text, *Journal of Advanced Nursing*, 53(3): 311-318.